

چرا آمریکایان توافق با ایران را ترجیح می‌دهد؟

مجید فرخی

کارشناس مسائل بین‌الملل



رژیم صهیونیستی همواره به دنبال تنش‌زایی بین ایران و ایالات متحده آمریکا بوده و مخالفت خود را در مورد هرگونه توافق با ایران ابراز کرده است؛ این مسأله هم مربوط به امروز و دیروز نیست و در چند دهه اخیر این رژیم به طور مشخص این رویکرد را در قبال توافق هسته‌ای ایران دنبال کرده است. به نظر می‌رسد لفاظی‌های مقامات صهیونیست در قبال «دستیابی به هرگونه توافق با ایران» نیز باید در همین راستا ارزیابی شود. اما با کمی تفکر در مورد راهبرد دولت‌مردان آمریکایی و ارزیابی اظهارات و عملکرد دشان در ماه‌های اخیر می‌توان به این نتیجه رسید که آنها به هیچ وجه خواستار افزایش تنش با ایران نبوده و اتفاقا تلاش می‌کنند از طریق دیپلماتیک پرونده هسته‌ای ایران را به سرانجام برسانند. دولت بایدن از همان روزهای آغازین خود به صراحت اعلام کرده که مهم‌ترین پرونده سیاست خارجی دولت او «مهار چین» است. اما پس از جنگ اوکراین بخش زیادی از تمرکز آمریکا در حوزه سیاست خارجی به مدیریت صحنه این جنگ اختصاص یافته. بنابراین با نگاه واقع‌بینانه می‌توان متوجه شد که مسأله پرونده هسته‌ای ایران در چند اولویت اول سیاست خارجی آمریکاقرار ندارد و هم‌رین‌رو گونه تشدید تنش که ایالات متحده آمریکا را میسر به تمرکز بیشتر بر این موضوع کند، مطلوب دولت‌مردان آمریکایی نیست. در شرایطی که برخی تحلیلگران ادعا می‌کنند که جنگ اوکراین تله آمریکایی‌ها برای درگیر کردن روسیه - به عنوان یکی از قدرتهای جهانی رقیب آمریکا - در یک جنگ فرسایشی بوده و همچنین آمریکا تلاش کرده تا چین را نیز در مسأله تایوان درگیر یک جنگ کند، به هیچ وجه منطقی نیست که تصمیم‌سازان آمریکایی خواهان درگیر شدن در یک جنگ بی‌نتیجه باشند؛ لذا بهترین راه برای آنها تعامل دیپلماتیک با ایران خواهد بود. حال این سوال مطرح می‌شود که چرا رژیم صهیونیستی در تلاش است تنش در مورد پرونده هسته‌ای ایران را افزایش دهد؟

دلیل اصلی این امر در مطالب ابتدایی این یادداشت توضیح داده شد اما دلایل دیگری نیز برای اقدامات صهیونیست‌ها می‌توان ذکر کرد. یکی از مهم‌ترین آنها به هم خوردن محاسبات این رژیم در خصوص تحولات منطقه خاورمیانه پس از عادی‌سازی روابط بین ایران و برخی کشورهای عرب منطقه به ویژه عربستان سعودی است. علاوه بر این، روند عادی‌سازی و آشتی بین کشورهای منطقه که با بازگشت سوریه به اتحادیه عرب و پیچید روابط دمشق با سایر پایتخت‌های عربی تلاطم یافت، عرصه برای تل آویود در منطقه تنگ‌تر کرد. صهیونیست‌ها که انتظار داشتند «پیمان ابراهیم» وضعیت آنها را در بین کشورهای منطقه بهبود ببخشد و حتی به دنبال عادی‌سازی روابط با ریاض بودند، به یکباره شاهد وارونه شدن شرایط و به کابوس تبدیل شدن روابطشان بودند. از طرف دیگر، پس از روی کار آمدن کابینه تندرو در اسرائیل، اوضاع داخلی در این کشور متشنج شد و اعتراضات داخلی گسترده‌ای در سرزمین‌های اشغالی شکل گرفت که همچنان نیز تداوم دارد. احتمالات ناآنیها و اعضای کابینه‌اش تلاش می‌کنند تا با منحرف کردن افکار عمومی به سمت پرونده هسته‌ای به عنوان یک پرونده خارجی، راهی برای کاهش فشار داخلی پیدا کنند. علاوه بر این، با گمانه‌زنی‌هایی که در هفته‌های اخیر در مورد احتمال دستیابی به یک توافق با ایران با میانجیگری برخی کشورهای منطقه مطرح شده است، می‌توان متوجه اظهار نظرهای صهیونیست‌ها شد. شاید واکنش نشانیه مهمی بر «آرام‌آور نبودن هرگونه توافق با ایران برای اسرائیل» را هم در همین راستا باید تحلیل کرد. اظهارات نتانیاهو در تماس تلفنی با بلینکن - وزیر امور خارجه آمریکا - در شرایطی مطرح شده که رسانه‌های اسرائیلی مدعی احتمال حصول توافق بین ایران و آمریکا ظرف چند هفته آینده هستند. فارغ از اینکه توافق بین ایران و آمریکا حاصل شود یا نباشد، دست و پا زدن‌های مقامات این رژیم برای تضعیف هرگونه تلاش به منظور کاهش تنش با ایران ادامه خواهد داشت. اما واقعیت این است که آمریکایی‌ها با در نظر گرفتن منافع ملی خود از هرگونه افزایش تنش با جمهوری اسلامی ایران پرهیز می‌کنند.

خبر

عربستان نمی‌خواهد خود را در یک بلوک تعریف کند

ابوالفضل ظهروند:

یک تحلیلگر مسائل سیاست خارجی درباره بازگشایی سفارت ایران و عربستان اظهار داشت: این احساس نگرانی آمریکا از این است که در پی تغییر سیاست‌های عربستان، رژیم صهیونیستی بیش از این متروزی شود. به هر حال آمریکا سرمایه‌گذاران زیادی کرده بود که کشورهای منطقه با رژیم صهیونیستی عادی‌سازی روابط کنند. از سوی دیگر آمریکایی‌ها ضعیف عمل کردند و نشان دادند نقطه اتکای مهمی در تأمین امنیت عربستان نیستند؛ به همین دلیل عربستان هم تصمیم گرفت صف خود را از آمریکا جدا کند. به یاد داریم که ترامپ به عربستان نگاه گرم‌تر داشت. از سوی دیگر قدرت‌های نژادی ایران در جهان کنونی رو آمده‌اند که جهان را چندقطبی کرده‌اند؛ از جمله روسیه، چین، هند، ایران و ترکیه و حتماً آینده متفاوتی را شاهد خواهیم بود. ابوالفضل زهره وند گفت: عربستان با درک جهان چندقطبی می‌خواهد شیوه حکمرانی خود را تغییر دهد و بن سلمان قصد دارد هويت مستقلی برای عربستان ایجاد کند در همین جهت می‌بیمیم که روابطش را با چین گسترش می‌دهد و در عین حال که هنوز عربستان با ایران مشکلاتی دارد. اما بن‌سلمان می‌خواهد این مشکلات توسط خود عربستان و ایران حل شود. سفر اخیر آقای بلینکن به عربستان از موضع ضعف بود نه قدرت و آمریکا پیشه‌پناه‌های دم‌دستی‌ای به عربستان داد. در مقابل بن‌سلمان هم شروط سنگینی پیش پای آمریکا قرار داد؛ آنکه باید سلاح‌های قوی در حد آن سلاح‌هایی که اسرائیل دارد به عربستان داده شود و اینکه عربستان باید هسته‌ای شود که در دوی اینها خط قرمز آمریکا است. این تحلیلگر مسائل سیاست خارجی همچنین بیان کرد: «عربستان راه خود را پیدا کرده است و می‌خواهد مسائلش را خودش حل کند. ایران هم در این بین باید بتواند مشکلاتش را حل کند و از این فرصت استفاده کند.» ظهروند تصریح کرد: عربستان نمی‌خواهد خود را در یک بلوک تعریف کند. مادر ایران وقتی می‌گوییم می‌شود از ظرفیت‌های روسیه و چین استفاده کرد، سریع یک عده می‌گویند یعنی ایران قرار است گرایش به بلوک شرق پیدا کند؟ اصلاً این طور نیست. در دیپلماسی باید منافع خودمان را در نظر بگیریم.

محمد تقی میبدی یزدی در گفت و گو با «آرام ملی»:

نواندیشی دینی به یک پروژه ناتمام تبدیل شده است

نواندیشی دینی به دنبال نجات دین از انحراف‌ها و کج‌اندیشی‌هاست

سرمایه نواندیشی دینی را نمی‌توان نادیده گرفت

نواندیشی دینی سبب زودرنی‌هاست

آرام ملی - احسان انصاری: در شرایطی که جامعه ایران به عنوان یک جامعه دینی امروز با چالش‌های دین‌گریزی در بین برخی جوانان مواجه شده است. آلت‌ناتیوهاهایی مانند نواندیشی دینی و روشنفکری دینی به عنوان مفاهیمی که تلاش می‌کنند فراتر از دین ارائه بدهند که متناسب با اقتضانات جامعه و حتی در توسعه باشد اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. این در حالی است که نواندیشی دینی در ایران با چالش‌هایی مواجه بوده و به همین دلیل نتوانسته به یک پارادایم غالب فکری در جامعه تبدیل شود. «آرام ملی» برای بررسی و تحلیل این موضوع با حجت‌الاسلام محمد تقی میبدی یزدی، استاد حوزه و دانشگاه گفت‌وگو کرده که در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.



گسترده و تشکیلات عریض و طویل و حمایت مراکز گوناگون قدرت نیست. سرمایه اصلی نواندیشی دینی، اندیشه‌های نو، نقادی و روشمند و کشفگری در پی تحقق هدف‌های بنیادین است. این سرمایه را نه می‌توان توقیف کرد، نه می‌توان نادیده گرفت و نه می‌توان در برابر تاثیرات آن مانع جدی ایجاد کرد.

چرا نواندیشی دینی نتوانست در ایران به عنوان یک پارادایم غالب نقش آفرینی کند؟ نواندیشی دینی در ایران با چه مولفه‌ای روبه‌رو بوده است؟

در مرحله اول برخی با نواندیشی دینی مخالف بودند و اجازه نمی‌دادند نواندیشی دینی به عنوان اندیشه‌ای فراگیر در سطح گسترده در بین مردم جامعه پراکنده شود. به همین دلیل نواندیشی دینی در ایران در صدساله اخیر الگوی فکری مغلوبی بوده و به ندرت به الگوی غالب در جامعه تبدیل شده است. تفکرات افرادی مانند مرتضی انصاری در دوران مشروطیت و یا آیت... مطلقانی و مهندس بازگان در دوران قیل و پس از انقلاب همواره با موانع زیادی در راه اشاعه خود روبرو بودند. یکی دیگر از نواندیشان دینی مهم تاریخ معاصر ایران دکتر علی شریعتی بود. گرفتار دکتر شریعتی با اینکه در یک مقطع زمانی به گفتن غالب جامعه تبدیل شد اما نتوانست این وضعیت را حفظ کند. مانع مهم دیگر که در مقابل جریان نواندیشی دینی در ایران قرار داشته وجود تفکرهای الحادی و مارکسیستی بوده که به هر حال مسیر حرکت نواندیشی دینی را در ایران ناهموار کرده است.

رابطه نواندیشی دینی و قدرت چگونه است؟ آیا قدرت سیاسی را نقد می‌کند و یا آن همراه می‌شود؟

نواندیشی دینی قربات نزدیکی با مفهوم روشنفکری دارد. به همین دلیل نواندیشان دینی نیز مانند روشنفکران با موانع موجود در راه آزادی مقابله می‌کنند. نواندیشی دینی به صورت گریزی به دلیل اینکه به دنبال نجات انسان از راه دین است نمی‌تواند نسبت به قدرت سیاسی بی‌تفاوت باشد. اگر قرار باشد نواندیشی دینی توانایی نجات انسان از راه دین را نداشته باشد و اسپر قدرت سیاسی باشد مفهوم خود را از دست می‌دهد. متأسفانه برخی نواندیشی‌ها در کتاب‌ها، مجلات و مصاحبه‌ها خلاصه کرده‌اند؛ این در حالی است که نواندیشی دینی به همراه روشنفکری تلاش می‌کند در راه نجات از طریق دین به بشریت نشان دهد و موانع آزادی را از سر راه جوامع بر داند. نواندیشان دینی اگر مشاهده می‌کنند که قدرت‌های سیاسی بر سر راه آزادی مانع ایجاد می‌کنند و اجازه نمی‌دهند حقوق شهروندی و جامعه‌مدنی محقق شود باید نسبت به این گونه اقدامات اعتراض کنند.

نواندیشی دینی از چه زاویه‌ای به مقوله آزادی نگاه می‌کند؟ آیا نواندیشی دینی نیازمند آزادی است یا اینکه در مسیر حرکت خود آزادی را به وجود می‌آورد؟

به نظر من هر دو وضعیت صحیح است. یعنی نواندیشی دینی هم به آزادی نیازمند است و هم اینکه در مسیر خود آزادی را به وجود می‌آورد. اقبال لاهوری، دکتر شریعتی، شهید مطهری و شهید بهشتی همواره به دنبال آزادی‌نشأت‌گرفته از دین بودند. آزادی امکان عملی کردن تصمیم‌هایی است که فرد یا جامعه به میل یا اراده خود می‌گیرد. اگر انسان بتواند همه تصمیم‌هایی را که می‌گیرد، عملی کند و کسی یا سازمانی اندیشه و گفتار و کردار او را محدود نکند و در قید و بند در نیابد، دارای آزادی مطلق، یعنی آزادی بی‌حد و مرز است. اما چون انسان‌ها به طور اجتماعی زندگی می‌کنند، نمی‌توانند آزادی مطلق داشته باشند. زیرا آزادی بی‌حد و مرز یک فرد به پایمال شدن آزادی افراد دیگر اجتماع می‌انجامد. افزون بر اینها، مسائل تازه‌ای و ایران و در گستره جهانی مطرح می‌شود که نیازمند اندیشیدن و مشارکت فکری و عملی نواندیشان دینی ایرانی است. به همین

مقام معظم رهبری در بازدید از نمایشگاه دستاوردهای هسته‌ای تأکید کردند:

توافق هسته‌ای با حفظ زیرساخت‌ها

ادامه از صفحه ۲ | مقام معظم رهبری در جمع‌بندی این بخش از سخنان‌شان، پیشرفت‌های هسته‌ای و جلوه‌گر شدن روحیه کار و امید و نشاط را شکست‌اشکار غرب‌گرایان خواندند و افزودند: آن روزگار، غرب‌گرایان ملت را تحقیر می‌کردند و امروز، ملت با دستاوردها و پیشرفت‌هایشان آنها را تحقیر می‌کند. حضرت آیت‌م... خامنه‌ای امکانات هسته‌ای ایران را بیش از صد برابر سال ۸۲ یعنی آغاز چالش هسته‌ای برشمردند و گفتند: آنها برای متوقف کردن این روند از جنایت و ترور هم کمک گرفتند اما نتوانستند و صنعت هسته‌ای اکنون با تلاش جوانان ملت در این کشور پیشرفت کرده و دیگر قابل سلب شدن نیست. ایشان در ادامه به یک نکته حاشیه‌ای اما مهم یعنی ایجاد تقابل بین علم و دین در قضیه رنسانس و انقلاب صنعتی غرب اشاره کردند و گفتند: یکی از مهم‌ترین خطوط رنسانس این بود که برای پیشرفت علمی باید دین و معنویت کنار گذاشته شود، در حالی که امروز یعنی حدود ۵۰۰ سال پس از آن حادثه، در جمهوری اسلامی، مهم‌ترین کارهای علمی در زوایات با دنیای غرب در حال انجام است، آن‌هم در حالی که علم و معنویت به گونه‌ای بهم آمیخته جوانان و نیروهای مؤمن و نماز شب‌خوان همچون شهرداری و فخری‌زاده هستند. حضرت آیت... خامنه‌ای در ادامه چند توصیه مهم خطاب به مسئولان و دست‌اندرکاران صنعت هسته‌ای بیان کردند. ایشان با تأکید بر ضرورت سرزیر دانش هسته‌ای در بخش‌های مختلف زندگی همچون سلامت، صنعت، کشاورزی، محیط‌زیست و آب‌شیرین‌کن، گفتند: خوشبختانه این کار در حال انجام است و من نیز تأکید و اصرار دارم که زندگی مردم، از پیشرفت‌های علمی صنعت هسته‌ای برخوردار شود. مقام معظم رهبری مسئولان انرژی اتمی را به نگاه کردن مردم‌انگیزانه متوجه صنعت هسته‌ای سفارش کردند و افزودند: اطلاع مردم از صنعت هسته‌ای محدود به مسأله انرژی و تولید برق است در حالی که اگر از منافع آن در همه بخش‌های زندگی خود مطلع شوند، قدر آنچه را که می‌گفتند حق مسلم است کمتر بهتری می‌دانند. البته در این زمینه صداوسیما و بخش‌های دیگر هم نقش دارند.

مصوبه مجلس، به نفع کشور و صنعت هسته‌ای است

ایشان با تأکید بر «توسعه تجاری‌سازی محصولات و خدمات هسته‌ای» و «افزایش همکاری‌های علمی با کشورهای همسو و غیر معارض به منظور استفاده هر چه بیشتر از امکانات و پیشرفت‌های دنیا»، در توصیه‌ای دیگر گفتند: موضوع تولید ۲۰ هزار مگاوات برق هسته‌ای را که چند سال قبل اعلام کردیم، جدی بگیرید و این هدف‌گذاری را به صورت برنامه‌ریزی شده دنبال کنید. حضرت آیت... خامنه‌ای در این زمینه کار را بر روی ایجاد گازهای با ظرفیت پایین و راجع بر دنیا را ضروری دانستند و گفتند: کشور در بخش‌های مختلف به اینگونه نیروگاه‌ها نیاز دارد. مقام معظم رهبری با توصیه مؤکد مسئولان انرژی اتمی به «تکریم، حفظ و صیانت از نیروی انسانی» گفتند: در حال حاضر تعداد دانشجویان مشغول به تحصیل در رشته هسته‌ای بسیار کم است که حداقل باید ۱۰ برابر شود و معیارهای علمی و سختی‌ها را خاص این رشته، از دانشمندان موجود حداکثر استفاده و حفاظت از آنها جدی گرفته شود. حضرت آیت... خامنه‌ای در این زمینه افزودند: البته دقت در جذب و ارزیابی نیروی انسانی هم مهم است، چرا که دشمن در حال تلاش برای نفوذ و خرابکاری است که در برخی بخش‌ها از این ناحیه ضربه خوردیم بنابراین باید در ارزیابی نیروی انسانی هم حداکثر مراقبت انجام شود. ایشان در توصیه‌ی بعدی، «حفظ ارتباط، تعامل و همکاری با اژانس البته در چارچوب متوجه تری پادمانی» را ضروری خواندند و افزودند: توصیه من از ابتدا به مسئولان صنعت هسته‌ای همین بوده است. البته زیر بار چیزی بیشتر از مقررات پادمانی ننویسد. مقام معظم رهبری با تأکید بر اینکه سازمان انرژی اتمی زیر بار ادعاهای مخالف واقع و خواسته‌های زورگو یانه طرف‌های مقابل نبزد، افزودند: آنچه را موظف به انجام آن هستند انجام دهید اما با ایستادگی بر مواضع خود، نه در خواست‌های زورگو یانه را قبول کنید نه ادعاهای گاه‌وبیگاه و خلاف واقع را که مثلاً فلان وقت فلان کار را کرده‌اید. ایشان در این زمینه افزودند: البته در خصوص تعهداتی که اسفندماه سال گذشته انجام شد، طبق گزارش جدیدی که مشاهده کردم، از آن پس به تعهدات خود عمل نکرده است. «برهیزر از تخطی از قانون مجلس در خصوص هسته‌ای» توصیه دیگری بود که مقام معظم رهبری در این خصوص گفتند: بر خلاف تصور اشتباه برخی افراد، مصوبه مجلس، قانونی است که خود به آن عمل شود و در دادن دسترسی‌ها و اطلاعات از آن تخطی نشود. توصیه و تأکید پائینی رهبر انقلاب در این دیدار به مسئولان سازمان انرژی اتمی، «حفظ زیرساخت‌های موجود صنعت هسته‌ای» بود. ایشان در این زمینه گفتند: در طول مسئولان قبل، مدیران مسئولان و فعالان صنعت هسته‌ای، زیرساخت‌های مهمی ایجاد کرده‌اند که در توافتاقت مرقاب باشید این زیرساخت‌ها دست نخورد.

نواندیشی دینی در مقابل تجدد چه موضعی دارد؟

تجدد به معنای دادن رنگ تقدس، اطلاق و جاودانگی به برداشت‌های محدود و ناقص بشری و مقدم داشتن عادات فکری و عاطفی بر منطقی و حقیقت است. معنای تجدد این است که کسی که می‌خواهد از مبانی اسلام و فقه اسلام، برای بنای جامعه استفاده کند، به ظاهر احکام اکتفا کند و برای نیاز ملّت و یک کشور نتواند علاج و دستور روز را نسخه کند و ارائه بدهد. «تجدد گرایان» مانع جدی در شکوفایی اندیشه دینی و ایجاد تعامل مثبت نظری و عملی با «حقیقت»، «معرفت»، مدیریت و سیاست و حتی تقدیر معیشت است. متحجران جز آموز‌های بسته و سوسب شده و انعطاف‌ناپذیر در برخورد با اقتضانات زمان و مکان و تغییر موضوع و محمول‌ها ندارند و هرگز پذیرای نقد اندیشه و عمل خویش، بازشناسی و بازنگری فکر و فعل خود نیستند و همواره را کد و تحول‌ناپذیرند. به هر حال، شک نیست که وجود چنین حالتی در فرد یا جامعه باعث عقب ماندگی و سقوط آن جامعه است. برده‌های سنگینی بر عقل و فکر می‌افکند و انسان را از درک صحیح و تشخیص سالم باز می‌دارد. بنیادگرایی به همان شکل و شیوه که در بین اهل سنت خطرناک جلوه کرده است، به مکتب تشیع نیز آسیب‌های جدی وارد کرده است. «جدال احسن» توصیه می‌کند. در نتیجه نواندیشی دینی باید با گفتن سازی مثبت و برقرار کردن دیالوگ و گفت‌وگو با سخن را با متحجران جامعه باز کرده و گره‌ها همواره به حربه‌های مختلفی متوسل می‌شوند تا بنیادگراها همواره به حربه‌های مختلف متوسل می‌شوند تا رقبای خود را از میدان بیرون کنند. یکی از حربه‌های بنیادگراها برای بیرون کردن رقبای نیز خشونت و اقدامات غیرقانونی است. این در حالی است که نواندیشی دینی هیچ گونه قربانی با مسئله خشونت ندارد. به باور من، نواندیشی دینی پروژه‌ای ناتمام است، زیرا در مواردی تلاش‌هایی همراه با توفیق داشته است، اما در بسیاری موارد نیز به کوشش‌ها و کارهای فزون‌تری دار.